



پژوهشنامه‌ی اقتصاد کلان

علمی - پژوهشی

سال نهم، شماره‌ی ۱۷، نیمه‌ی اول ۱۳۹۳

بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی و آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی ایران

مهدی خداپرست مشهدی*

محمدعلی فلاحی**

امیر آریانا***

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۲/۳

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۱/۱۵

چکیده

سرمایه اجتماعی و آزادی اقتصادی در کنار سایر متغیرهای موجود در تابع تولید می‌توانند بر رشد اقتصادی کشور تأثیرگذار باشند. تحقیق حاضر در نظر دارد تا میزان تأثیر این دو متغیر بر رشد اقتصادی را آزمون پذیر سازد. فضای اقتصاد ایران برای آزمون این ایده نظری مناسب دیده شد. به این منظور تأثیر این دو متغیر به صورت جداگانه و همراه با هم، بر رشد اقتصادی کشور ایران مطالعه شد، که تعمیم الگوی رشد نئوکلاسیکی انجام این هدف را میسر ساخت، و برآوردها در چارچوب الگوی خود توضیح با وقفه‌های گسترده (ARDL) انجام شد. نتایج حاصل حاکی از آن است که اثر سرمایه اجتماعی و آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی ایران مثبت و معنی‌دار می‌باشد. سرانجام آزادی اقتصادی نسبت به سرمایه اجتماعی تأثیر بیشتری بر رشد اقتصادی ایران دارد.

واژه‌های کلیدی: سرمایه اجتماعی، آزادی اقتصادی، رشد اقتصادی، الگوی خود توضیح با وقفه‌های گسترده (ARDL)، ایران.

طبقه بندی JEL: A14، C22، O43

* نویسنده مسئول - استادیار اقتصاد دانشگاه فردوسی مشهد (Email: m_khodaparast@um.ac.ir)

** دانشیار اقتصاد دانشگاه فردوسی مشهد (Email: mfalahi@yahoo.com)

*** کارشناس ارشد علوم اقتصادی دانشگاه فردوسی مشهد (Email: aryanaamir@gmail.com)

۱- مقدمه

شواهد موجود در مطالعات آرون^۱ (۲۰۰۰) و بارو^۲ (۱۹۹۶)، نشان می‌دهد که نهادهای سیاسی و نهادهای اقتصادی ضعیف به طور مؤثری مانع رشد اقتصادی برخی از کشورها بوده‌اند. در این راستا سیاستمداران ممکن است اقداماتی را انجام دهند تا موجبات تقویت نهادها را در برخی از ابعاد میسر سازند، یا برخی از ساختارهای سیاسی مناسب‌تر را تقویت نمایند. برای نمونه در کشورهای آفریقایی شواهد زیادی وجود دارد که چارچوب نهادهای خصوصی و عمومی ضعیف هستند. منطقه صحرا^۳ با کمترین رشد اقتصادی در جهان دارای فقر گسترده و عمیق است. پژوهش‌هایی مانند ایسترلی و لوین^۴ (۱۹۹۷) نیز وجود دارند، که نتایج کار آنها حاکی از آن است که عناصر مرسوم مؤثر بر رشد اقتصادی (مانند نیروی کار، تجمیع سرمایه فیزیکی و انسانی و مانند آنها) به طور کامل تجربه عملکرد آفریقا را نشان نمی‌دهند و بناچار به سوی توضیحات نهادی رفته‌اند. تفسیر شواهد بدست آمده با استفاده از معیار نهادی، نیز موضوعی کاملاً روشن نیست، زیرا فرآیند یکپارچه‌سازی نهادی و تغییرات نهادی در نظریه‌های اقتصادی حرکتی به نسبت تازه است. در مطالعات پیشین تاثیر نهادهای سیاسی و اقتصادی بر رشد اقتصادی، به صورت مختلفی اندازه‌گیری شده‌اند. برای مثال اقتصاددانها به طور عمده از شاخص تعداد تضمین حقوق مالکیت در پرونده‌های محاکم قضایی بهره می‌برند. دانشمندان علوم سیاسی تاثیر نهادهای سیاسی را در اکثر موارد با شاخص بی‌ثباتی سیاسی (تعداد آشوب‌ها و جنگ‌های خیابانی) و ویژگی‌های رژیم سیاسی (شاخص نرخ حضور در انتخابات، شاخص نقض قوانین) اندازه‌گیری می‌کنند؛ و سرانجام دانشمندان علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی تاثیر نهادهای سیاسی را از طریق نقش دولت در نهادسازی‌های اجتماعی برآورد پذیر می‌سازند و از شاخص‌های گسترده‌ی فعالیت‌های سازمانهای غیردولتی و حجم مشارکتهای مدنی استفاده می‌نمایند، تا از آن به رشد اقتصادی برسند. به نظر می‌رسد دلیل این تفاوت‌ها و نتایج رشدی ناشی از آنها به این علت است که در تحقیقات تجربی عبارات سیاست و نهادها دامنه گسترده‌ای از تعاریف و

1- Aron

2- Barro

3- Sub-Saharan Africa

4- Easterly and Levin

شاخص‌ها را به خود اختصاص داده اند و طبیعی است که نتیجه رشد دهنده آن‌ها نیز متفاوت شود.

سرمایه اجتماعی موضوع جدیدی است که اخیراً به الگوهای رشد اضافه شده است و تأثیر آن به عنوان یک متغیر مستقل در کنار سایر متغیرها همچون سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی آزمون می‌شود. همچنین یکی از دلایل وارد کردن این متغیر در الگوهای رشد، عدم توضیح مناسب این الگوها می‌باشد که با اضافه کردن این متغیر، قدرت توضیح دهنده آن‌ها بالا رفته است. سرمایه اجتماعی با توجه به تعریف پوتنام^۱ (۱۹۹۳) که آن را به عنوان شرکت مردم در سازمان‌ها و گروه‌ها، هنجارها و اعتماد تعریف می‌کند، یکی از عوامل تأثیرگذار در رشد اقتصادی می‌باشد. حال با توجه به این مسأله که امکان کمی ساختن و بررسی تأثیر آن بر رشد در سال‌های اخیر بوجود آمده است می‌توان راه‌های افزایش این سرمایه و در نتیجه رشد اقتصادی را فراهم نمود. آزادی اقتصادی و تأثیر آن بر رشد اقتصادی نیز از موضوعات جدیدی است که در الگوهای رشد اقتصادی مورد آزمون قرار گرفته است. آزادی اقتصادی بر طبق تعریف مؤسسه‌ی فریزر^۲ آن است که افراد یک جامعه اموالی که از راه‌های سالم به دست آورده اند را به راحتی بتوانند استفاده و مبادله کنند، بدون این‌که این آزادی متعرض حقوق دیگران شود. بنابراین با فراهم کردن این شرایط، رشد بیشتر اقتصادی را می‌توان فراهم نمود.

هدف تحقیق حاضر آن است که نخست تأثیر هر یک از متغیرهای کلیدی "آزادی اقتصادی" و "سرمایه اجتماعی" را به تفکیک در رشد اقتصاد ایران نشان دهد. ثانیاً، این نکته را بررسی نماید که کدام یک از این دو در رشد اقتصادی کشور ایران تأثیر بیشتری داشته اند. در ادامه، ابتدا مبانی نظری تحقیق مطرح و مطالعات انجام گرفته در زمینه سرمایه اجتماعی و آزادی اقتصادی بررسی می‌شود. سپس داده‌ها و متغیرهای تحقیق معرفی و الگوی تجربی برآورد می‌شود. در پایان جمع بندی نتایج و پیشنهادهای سیاستی ارائه می‌شود.

1- Putnam

2- Freezer Institute

۲- مبانی نظری تحقیق

برای شناخت پایه های نظری تأثیر سرمایه انسانی و آزادی اقتصادی بر مقوله رشد اقتصادی می توان به عنوان نقطه آغاز به نورث^۱ (۱۹۹۰) در ادبیات نونهادگرایی مراجعه کرد. او بیان می دارد که هدف اصلی نهادها در جوامع کاهش ناطمینانی ها است که از طریق ساختار باثباتی (ولی نه لزوماً کارآمد)، تعاملات میان انسانها را برقرار سازند. وجود ساختار با ثبات نهادی در کلیت خود مبادلات پیچیده را در زمان و مکان های مختلف میسر می سازد. چنین مجموعه از ویژگی ها به هیچ وجه به معنای آن نیست که نهادهایی که به آنها اعتماد شده است، نهادهای کارآمدی هستند، بنابراین ثبات نهادی شرط لازم برای تعاملات انسانی است، و لزوماً این به معنای شرط کافی برای تحقق کارآیی اقتصادی نیست.

پوسن^۲ (۱۹۸۸)، در طبقه بندی هایی که از مکاتب اقتصاد سیاسی معاصر دارد، به نقش برجسته نورث و مکتب نونهادگرایی اشاره می کند. او می گوید نورث به میزان زیادی در اندیشمندان اقتصاد سیاسی و اقتصاد تاریخی نفوذ کرده است. گرچه تأثیر او بر اقتصاددانها زیاد نبوده است، اما چارچوب نهادی روشنی را ارائه می دهد که وقتی با ادبیات مطالعات اقتصادی پیوند می خورد، تفسیر غنی تری از تأثیر نهادها بر توسعه را به نمایش می گذارد. برای نمونه، نورث (۱۹۹۰: ۶۵) می گوید: وقتی سازمان تولید در کشورهای جهان سوم را با سازمان تولید در کشورهای پیشرفته صنعتی مورد مقایسه قرار می دهیم، از نتایج حاصل از تعریف ضعیف و یا نامؤثر حقوق مالکیت و نتایج اقتصادی آنها حیرت زده می شویم. در چنین فضایی نتیجه گیری ها حاکی از آن است که نه تنها چارچوب نهادی این قبیل کشورها، موجبات افزایش هزینه های انجام معاملات را فراهم ساخته است، بلکه تأمین نامطمئن حقوق مالکیت موجب آن می شود که فناوری هایی استفاده شود، که سرمایه بری اندکی دارند، بعلاوه عاملان توسعه در چنین شرایطی به میزان کمتری در قراردادهای دراز مدت وارد می شوند.

به نظر می رسد، هر سرمایه گذار برای سرمایه گذاری ساده خود به دو دسته از اطلاعات مهم نیاز دارد. نخست اینکه هزینه های تصمیم او چقدر است و دوم از این کار

1- North

2- Posen

چه منافعی خواهد برد. در واقع مابه التفاوت منافع و هزینه ها سود خالص او را رقم می‌زنند. این سود ممکن است از دو منظر مورد مخاطره قرار گیرد؛ نخست اینکه وجود برخی مفاسد اقتصادی او را از تملک حقوق کامل (بهره برداری، انتقال و تغییر شکل)، سود حاصل باز دارند؛ و دوم وجود برخی از نارسائی‌های مدیریت اقتصادی دولت، موجب شود که انجام فعالیتهای اقتصادی (تولید و سرمایه گذاری) او با مخاطرات غیرقابل پیش بینی روبرو شوند و سود کمتری عاید گردد. مخاطره اول در شرایطی به حداقل می‌رسد که سرمایه اجتماعی ناشی از عملکرد مدیریت جامعه به حداکثر برسد، و مخاطره دوم زمانی به کمینه مقدار خود خواهد رسید، که آزادی اقتصادی در چارچوب نظری خود تأمین پذیر شده باشد. این شیوه از تفکر چارچوب مفهومی تحقیق حاضر را رقم می‌زند.

۲-۱- تأمین شرایط لازم برای رشد

رشد اقتصادی نیازمند کارآفرینان اقتصادی است که با ورود به عرصه سرمایه گذاری‌های داخلی و یا جذب سرمایه گذارهای خارجی، ظرفیت تولیدی جامعه را افزایش دهند. آنچه این فضا را برای سرمایه گذاران داخلی و خارجی ایمن می‌سازد، وجود آن سرمایه اجتماعی است، که حاکی از وجود اعتماد بوده، و نشان دهنده مشارکت اجتماعی برای کمک به رفع موانع تأمین حقوق مردم است. نظر به اینکه مهمترین عنصر اثرگذار بر حجم سرمایه‌گذاریها فقدان فساد اقتصادی است، و این عنصر مؤثرترین عنصر در تأمین سرمایه اجتماعی و اعتماد ناشی از آن است؛ در این بخش گستره مفاسد اقتصادی و تبعات آن بر رشد اقتصادی و راهکارهای کاهش آن به عنوان تأمین شرایط لازم برای رشد از منظر سرمایه گذاران ارائه می‌شود.

الف) ابعاد مفاسد اقتصادی کاهنده اعتماد

برای اینکه این مفهوم از فساد که در ارتباط با کاهش حجم تولید و سرمایه گذاری سرمایه گذاران داخلی و خارجی موضوعیت دارند، روشن شود ابتدا تعریفی از آن ارائه و آنگاه برخی از شاخص‌های مربوطه معرفی می‌شوند. بانک جهانی^۱ (۱۹۹۷)، فساد را استفاده از قدرت دولتی برای نفع شخصی، تعریف کرده است. این مقوله از فساد

سیاسی^۱ متمایز است و به طور عمده شامل رشوه‌ای است که در میان افراد مختلف برقرار است. البته صرف نظر از طبیعت این قبیل مفسده‌ها که دارای ویژگی های مرموز بودن، غیرقانونی بودن، و متفاوت بودن روشها است؛ کسب و اندازه گیری دقیق آن در کشورهای مختلف دشوار است. بنابراین مقایسه کشورها از منظر درجه وجود مفاسد در آنها آسان نیست. البته هنوز می‌توان با کمک متخصصان و بنگاه‌های اقتصادی اطلاعات مفیدی در مورد جدی بودن مفاسد در کشورهای مختلف بدست آورد. شاخصهای مختلفی در مورد "درک از وجود مفاسد" وجود دارند که مشاهده پذیر بوده و چهار مورد از آن شاخصها مانند "شاخص تجارت در عرصه بین‌المللی"^۲، "شاخص ریسک در کشورهای مختلف"^۳، "شاخص رقابت بین‌المللی"^۴ و "شاخص شفافیت بین‌المللی"^۵ قابل ذکر هستند.

ب) آثار اقتصادی وجود مفاسد اقتصادی

۱- اثر بر سرمایه گذاری داخلی

بر اساس بررسیهای انجام شده که ارتباط بین نسبت سطح سرمایه گذاری بر GDP را با سطح فساد مرتبط ساخته است، این نکته مشخص شده است که اگر کشوری مانند فیلیپین بتواند سطح مبارزه با مفاسد خود را به سطح کشور سنگاپور کاهش دهد، با فرض ثبات بقیه موارد، می‌تواند سطح نسبت سرمایه گذاری به GDP خود را ۶/۶٪ افزایش دهد، که این به معنای حجم زیادی از سرمایه گذاری است (مورو^۶، ۱۹۹۵).

۲- اثر بر سرمایه گذاری مستقیم خارجی

وی^۷ (۱۹۹۸)، در بررسی داده های سرمایه گذاری مستقیم خارجی متقابل در اوایل دهه ۱۹۹۰ از چهارده کشور اصلی به چهل و یک کشور سرمایه پذیر؛ به این نتیجه

۱- این مقوله از فساد سیاسی عبارت است از: خرید آرا در انتخابات، مشارکت قانونی یا غیر قانونی افراد ثروتمند و دیگر گروه های ذینفع برای تأثیر گذاری در وضع قوانین و مقررات.

2- Business International (BI) Index
3- International Country Risk Guide (ICRG) Index
4- Global Competitive Report (GCR) Index
5- Transparency International (TI) Index
6- Mauro
7- Wei

آشکار رسید که ثمره‌ی انجام این سرمایه‌گذاری‌ها در کشورهای میزبان به صورتی بوده است که سرمایه‌گذاری خارجی را تضعیف کرده است (ضرایب تأثیر فساد و مالیات بر رشد سرمایه‌گذاری در کشورهای میزبان به ترتیب ۰/۰۹ - و ۱/۹۲ - بوده‌اند).

۳- اثر بر رشد اقتصادی

اگر فساد بتواند سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی را بکاهد، می‌توان چنین نتیجه گرفت که کاهش نرخ رشد اقتصادی است. مورو (۱۹۹۷)، می‌گوید اگر بنگلادش قادر بود تا سطح فساد خود را به سطح فساد سنگاپور کاهش دهد، نرخ رشد سرانه آن طی سالهای ۱۹۶۰-۱۹۸۵ می‌توانست ۱/۸ درصد بیشتر باشد.

ج) آثار اقتصادی مثبت مشارکتهای مردمی

۱- وقتی تأمین اجتماعی به افراد نیازمند کمک نماید، اعتماد مردم به دولت در شرایط اضطرار افزایش می‌یابد. بنابراین این قبیل افراد کمتر به راه‌حلهای غیر قانونی مانند سرقت و کلاهبرداری و رشوه روی می‌آورند و به این ترتیب بخشی از افراد خلافکار جامعه به جمع افراد درستکار خواهند پیوست.

۲- بعلاوه وجود نشریات فراوان و البته آزاد امکان نقد عملکرد دولت و دیگر عاملان اقتصادی را فراهم خواهند کرد و نقش دولت در تصحیح عوامل موجد فساد افزایش خواهد یافت. بنابراین اعتماد بیشتری بر جامعه حاکم خواهد شد، و جامعه نیز برای تصحیح مفاسد اقتصادی با دولت همکاری می‌نماید.

۲-۲- تأمین شرایط کافی برای رشد

ارتباط نظری آزادی اقتصادی و رشد اقتصادی را می‌توان در ارتباطی که بین کارآفرینی و رشد وجود دارد، جستجو کرد. در این راستا لازم است به تعریف عملیاتی مناسب از آزادی اقتصادی دست یافت. اقتصاددانها آزادی اقتصادی را آمیزه‌ای می‌دانند، که در تأمین امنیت و مدیریت تامین حقوق مالکیت کارساز است. البته در درون آن شاخصهایی مانند آزادی پس‌انداز، تغییر شغل، عقد قراردادهای، حفظ درآمدها و مانند آنها وجود دارد. در ادامه نحوه ارتباط این اجزاء با عرضه کارآفرینی بیان می‌شود (مورو ۱۹۹۷، صص ۳۱۲-۳۱۴).

۱- اندازه دولت

بسیاری از پژوهشگران، به ویژه در اقتصاد متعارف (فریدمن^۱، ۱۹۶۲)، اندازه دولت را به عنوان شاخصی می شناسند که نشان می دهد، دولت تا چه اندازه در اقتصاد مداخله می کند. کارلسون و لاندستورم^۲، (۲۰۰۲)؛ و جیوارتنی و لاسون^۳ (۲۰۰۵)، مداخله های دولت در اقتصاد از طریق پرداخت های انتقالی، سرمایه گذاری های دولتی و مالیات های نهایی را شاخصی از آزادی اقتصادی می دانند.

۲- تأمین حقوق مالکیت در فرآیند تولید و سرمایه گذاری

تضمین حق مالکیت، یکی دیگر از شاخه هایی است که نشان دهنده آزادی اقتصادی است، در واقع به میزانی که حقوق مالکیت در طول زمان ایمن می ماند (به گفته نورث ۱۹۹۰ و لوک^۴ ۲۰۰۵)، توسعه اقتصادی فراهم تر می شود. میزان زیادی از مطالعات پیشینیان وجود دارند که از منظر تاریخی؛ تاثیر تضمین حقوق مالکیت معنوی و آثار آن را بر فعالیت های نوآورانه، و رشد و توسعه ناشی از گسترش نوآوری را در سطح خرد و کلان اقتصادی نشان می دهند. برای نمونه می توان به کارهای نورث و دیگران (۲۰۰۰)، فالوی و دیگران^۵ (۲۰۰۴) و گلیسر و دیگران^۶ (۲۰۰۴) اشاره کرد.

۳- وجود پول سالم

پول سالم سومین عنصر از معیارهای آزادی اقتصادی است (فریدمن^۷ ۱۹۶۲)، پول سالم به مفهوم ثبات نسبی قیمتها و پیش بینی پذیر بودن نرخ و تغییرات تورم است. این قبیل پیش بینی ها به طور خاص برای کارآفرینان اقتصادی مهم است، زیرا اینان افرادی هستند که از این طریق مازاد باقیمانده فعالیت های اقتصادی را تصاحب می نمایند (کرزرنر^۸، ۱۹۹۷). وجود تورم به ویژه تورم جهشی اثر علامت دهنده قیمت های نسبی را

1- Friedman

2- Carlsson and Lundstorm

3- Gwartney and Lawson

4- Lueck

5- Falvey et al.

6- Glaeser et al.

7- Friedman

8- Kirzner

مخدوش می سازد (فریدمن ۱۹۷۷). در این حالت کارآفرینان ریسک‌گریز؛ به ویژه افرادی که در فعالیت‌های ضروری اقتصاد فعالیت می‌کنند و یا افرادی که در بخش‌های خوب توسعه یافته اقتصاد فعالیت می‌کنند؛ به طور معمول از حجم فعالیت‌های خود خواهند کاست. علاوه بر این موارد؛ مفهوم و اندازه گیری پول سالم با سطح تامین مالی توسعه یافته و عمق مالی (مانند متغیر جایگزین^۱ دسترسی به سرمایه) مرتبط است. اقتصاددانان کلاسیک این موارد را به عنوان شرایط کلیدی تامین کارآفرینی نامگذاری کرده اند.

۴- درجه بازبودن اقتصاد کشور

چهارمین حوزه آزادی اقتصادی، درجه باز بودن اقتصاد کشور به اقتصاد جهانی و سرمایه گذاری خارجی است. به طور معمول فرض بر این است وقتی که حجم تجارت زیاد است، دسترسی به علائم قیمت‌های جهانی بیشتر است. به این ترتیب کارآفرینان بالقوه نه تنها به بررسی و انتخاب فرصت‌های سرمایه گذاری در اقتصاد داخلی هدایت می‌شوند، بلکه به قیمت‌های بین المللی نیز مرتبط شده و فرصت‌های بین‌المللی را مورد بررسی قرار می‌دهند.

۵- تنظیم مقررات

سرانجام با پذیرش نظر کرزنر (۱۹۹۷)، تنظیم مقررات بخش عمومی در شاخص‌های آزادی اقتصادی عنصر مهمی است، زیرا نشان می‌دهد، تا چه حد فعالیت‌های اقتصادی گسترده خواهد بود. به طور مشخص، تنظیم مقررات می‌تواند به کارآفرینان کمک نماید و یا آن‌ها را از فعالیت موفق باز دارد و این مقوله تابع نیاز کارآفرینان به قواعد مشخص و روشن و پیش بینی پذیر و تضمین آن قواعد است. از طرف دیگر، وجود مقررات زیاده از حد موجب آزار بنگاه‌های اقتصادی است، و به قول مورو (۱۹۹۷) این موانع و بازدارنده‌ها محدود به دوره تأسیس پروژه نیست، زیرا وجود قواعد اضافی موجبات ورود در فعالیت های رانت جویانه را می‌افزایند. کارآفرینان ممکن است متوجه این نکته شوند که در فعالیت‌های بخش عمومی امکان رانت‌جویی‌های بیشتری فراهم است و به این ترتیب

1- Proxy Variable

کارآفرینی مخرب را انتخاب می نمایند و در نتیجه فعالیتهای مولد کمتر شده و توسعه اقتصادی را به عقب می اندازد.

۳- پیشینه تحقیق

۳-۱- برخی از مطالعات انجام گرفته در زمینه سرمایه اجتماعی

تحقیقات مختلف انجام شده پیرامون تأثیر سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی نشان می دهد که سرمایه اجتماعی آثار گسترده ای بر رشد اقتصادی کشورها گذاشته است. هلیول و پوتنام^۱ (۱۹۹۵)، نشان دادند؛ که طی دوره ۱۹۵۰-۱۹۹۰، مناطق شمالی ایتالیا با برخورداری از سطح بالاتری از جامعه ی مدنی، نرخ رشد اقتصادی بالاتری نیز داشته اند. روش اندازه گیری شامل سه ترکیب "جامعه ی مدنی"، "تأثیر دولت محلی" و "رضایت مندی شهروندان از دولت های محلی" بود. آن ها نشان دادند در مناطقی که دارای سرمایه اجتماعی بالاتری بوده اند، همگرایی اقتصادی سریع تر و سطح درآمد بالاتری داشته اند. رایس و سامبرگ^۲ (۱۹۹۷)، با استفاده از روش پوتنام شاخص هایی را برای فرهنگ مدنی و عملکرد دولت (حکومت های محلی)، در ایالات متحده معرفی کردند. نتایج تحقیقات آن ها نشان داد که رابطه ی روشنی بین فرهنگ مدنی و عملکرد دولت وجود دارد. دولت های مدنی در شرایطی که سیاست های نوآورانه و مؤثرتر اجرا می کنند، در مقایسه با دولت های غیرمدنی حکومت های بهتری هستند، زیرا در جوامع مدنی نظارت هایی بر روی فرهنگ سیاسی، ایدئولوژی، آموزش و مانند این ها از سوی دولت مرکزی صورت می گیرد که کارآمدی مدیریت اقتصادی دولت را می افزاید.

لاپورتا و دیگران^۳ (۱۹۹۷)، در تحقیق مشترک خود نشان دادند که اعتماد بیشتر باعث کاهش فساد، کاهش تورم، افزایش کیفیت بوروکراسی و افزایش کارایی قضایی می شود. سرمایه اجتماعی بالا در کنار رشد اقتصادی، تأثیر مثبتی بر افزایش کیفیت درآمدی و کاهش جنایت و فقر دارد.

1- Helliwel and Putnam

2- Rice and Sumberg

3- La Porta et al.

ناک و کیفر^۱ (۱۹۹۷)، در مطالعه‌ای که بر روی بیست و نه کشور انجام شد، نشان دادند که سطح بالاتر اعتماد و همکاری، با عملکرد اقتصادی قوی‌تر مرتبط می‌باشد. دلیل آنان این بود که افراد در جوامع دارای سطوح بالاتر اعتماد، زمان و پول کمتری برای محافظت از مالکیت خودشان در معاملات اقتصادی صرف می‌کنند. این محققین همچنین دریافتند، در مناطقی که نیاز کمتری به قراردادهای نوشتاری در معاملات وجود دارد، دعاوی قضایی کمتری وجود دارد. برای مثال در ناحیه یهودی نشین شهر نیویورک، حجم زیادی از "الماس" مبادله می‌شود و تأیید انجام معامله تنها با یک دست دادن بین بازرگانان و بدون هیچ وثیقه یا بیمه‌ای بین آن‌ها میسر می‌شود.

علمی، شارع پور و حسینی (۱۳۸۴)، در مقاله‌ای با عنوان "بررسی سرمایه اجتماعی و چگونگی تأثیر آن بر اقتصاد" به بیان نظری مفهوم سرمایه اجتماعی و راه‌های تأثیر آن بر اقتصاد پرداخته و تعدادی از مطالعات تجربی و نتایج آن را ذکر کرده‌اند. سرمایه اجتماعی بالا، هزینه‌های مبادلاتی را کاهش داده، امکان همکاری و فعالیت‌های دارای منافع متقابل را افزایش می‌دهد و از شدت مشکلاتی که شکست بازار را به همراه دارد، می‌کاهد. ادبیات سرمایه اجتماعی، اهمیت این سرمایه را از لحاظ تجربی نیز در برخی اقتصادها به اثبات رسانده و آن را برای تربیت و انباشت سرمایه‌های انسانی، دستیابی به توسعه مالی، کارایی سیاست‌های دولت و اقدام به نوآوری، گردش اطلاعات و نیل به رشد اقتصادی لازم شمرده است. همچنین آثار و کارکردهای سرمایه اجتماعی، طیف گسترده‌ای را تشکیل می‌دهد و در سه سطح خرد، میانی و کلان یا نهادی اثر گذار است.

رحمانی، عباسی نژاد و امیری (۱۳۸۶)، در مقاله‌ای با عنوان "بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی ایران - مطالعه موردی: استان‌های کشور با روش اقتصادسنجی فضایی" ابتدا به اختصار نحوه‌ی اثرگذاری سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی را بررسی نموده‌اند و با تعمیم الگوی رشد نئوکلاسیکی سولو، سه الگو که نحوه‌ی تأثیرگذاری سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی را از سه کانال مختلف بررسی می‌کند را طراحی کرده‌اند. ایشان بر اساس الگوهای رشد اقتصادی و روش اقتصادسنجی فضایی، تأثیر سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی ۲۸ استان کشور طی دوره ۱۳۷۹-۱۳۸۲، را بررسی کرده‌اند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی دارای تأثیر مثبت

1- Knack and Keefer

و معنی داری بر رشد اقتصادی می باشد، به این ترتیب که با ثابت بودن سایر شرایط، با افزایش یک واحد شاخص سرمایه اجتماعی، رشد اقتصادی ۰/۱۸ درصد افزایش می یابد.

۳-۲- برخی از مطالعات انجام گرفته در زمینه آزادی اقتصادی

در مطالعاتی که درباره ی تفاوت های بین کشوری در زمینه رشد اقتصادی انجام گرفت، جوارتنی و لاوسون^۱ (۲۰۰۵) طی یک همکاری مشترک آزادی اقتصادی بین کشورها را مورد سنجش قرار داده و به بررسی تأثیر آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی پرداختند. نتایج بدست آمده نشان داد که یک واحد افزایش در نرخ بلندمدت آزادی اقتصادی باعث ۲/۱۶ درصد افزایش در سرمایه گذاری به صورت سهمی از تولید ناخالص داخلی و ۱/۲۴ درصد افزایش در رشد سرمایه سرانه به ازای هر کارگر می شود. بنابراین آزادی اقتصادی با افزایش در سرمایه گذاری و موجودی سرمایه باعث افزایش رشد اقتصادی می شود.

محققین زیادی نیز تأثیر جنبه های سیاسی و قضایی آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی کشورها را بررسی کردند. دو مبحث متفاوت در این زمینه وجود دارد. بعضی مانند رودریک^۲ (۲۰۰۰) و فیدرموک^۳ (۲۰۰۳) استدلال کردند که رژیم های دیکتاتوری در ابتدا نیاز دارند تا اصلاحات سیاسی را برای ملتها موفقیت آمیز معرفی کنند. هرچند که این رژیمها اعتقادی به تغییرات سیاسی و در نتیجه اصلاحات ندارند اما برای راضی نمودن مردم خود، نیاز به فعالیت های نمایشی دارند. بنابراین اولویت این حکومتها ابتدا اصلاحات اقتصادی می باشد. آنها به تجربه ی شیلی، کره جنوبی و تایوان، اشاره کردند و توضیح دادند که هرچند این کشورها دارای حکومت های دیکتاتوری نبودند اما موفقیت اقتصادی آنها ابتدا از طریق اصلاحات اقتصادی صورت گرفت و سپس از طریق اصلاحات سیاسی و دموکراسی انجام شد.

مخالفان این نظریه مانند پرزورسکی و لیمونجی^۴ (۱۹۹۳)، دوهان^۵ (۲۰۰۳) و رودریک (۲۰۰۰) بیان می کنند، که دموکراسی بهترین نهادها را بر اساس یک سیستم

-
- 1- Gwartney and Lawson
 - 2- Rodrik
 - 3- Fidrmuc
 - 4- Przeworski and Limongi
 - 5- De Hann

قانونی مستقل، عدم موانع تجاری، دارایی‌های سالم، دستیابی به پول سالم برای انجام فعالیتها بنا می‌کند که نیروهای پویا در تحقق آزادی اقتصادی برای رشد بلندمدت نیازمند آن هستند.

سامتی، شهنازی و شبانی (۱۳۸۵)، تأثیر آزادی اقتصادی بر فساد مالی را بررسی کردند. در این تحقیق ابتدا فساد مالی تعریف و سپس عوامل مؤثر بر فساد مالی و راهبردهای مبارزه با فساد مالی بیان شده‌اند. در این تحقیق از شاخص‌های آزادی اقتصادی فریزر استفاده شده است. سپس با طراحی سه الگو به بررسی تأثیر آزادی اقتصادی بر فساد مالی با رویکرد داده‌های تابلویی برای ۷۳ کشور طی ۴ سال (۲۰۰۳-۲۰۰۰) پرداختند. نتایج حاکی از تأثیر مثبت و معنی‌دار سه جزء اصلی آزادی اقتصادی (ساختار قضایی و امنیت حقوق مالکیت، پول سالم، آزادی مبادله با خارجی‌ها) و اثر بی معنی دو جزء دیگر (اندازه دولت و قوانین و مقررات) بر فساد مالی دارد.

نادری و شربت اوغلی (۱۳۸۶)، به بررسی نظری و تجربی تأثیر شرایط آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی کشورها پرداختند. در این تحقیق بیان می‌شود که برای پیوند الگوهای رشد با نظریه اقتصاد، لازم است نقش رفتار آحاد اقتصادی در الگوهای اقتصادی مورد توجه قرار گیرد. در این تحقیق از الگوی رشد نئوکلاسیکی تعدیل شده "بارو" استفاده شده است. الگو با استفاده از داده‌های تابلویی برای سال‌های (۱۹۹۹-۲۰۰۴)، برآورد شده است. در برآورد اثر اول، الگوی اثرات ثابت و با استفاده از روش حداقل مربعات وزنی (WLS) برآورد شده است. در برآورد دوم، از روش سیستمی استفاده شده است. در این تحقیق نیز تأثیر مثبت و معنی‌دار آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی تأیید شده است.

حسینی، علمی و شارع پور (۱۳۸۶)، سرمایه اجتماعی را در سه سطح خرد، تمیم یافته و کلان و به دو صورت ساختاری و شناختی بررسی کرده‌اند. با استفاده از دو روش تاکسونومی عددی و تحلیل عاملی، مراکز استانهای کشور بر اساس شاخص سرمایه اجتماعی رتبه بندی شده است. از مهمترین یافته‌های تحقیق آن است که شهرهای بزرگتر از میزان سرمایه اجتماعی پایین‌تری برخوردارند چرا که با بزرگتر شدن شهرها و مهاجرت بالاتر و به واسطه آشنایی و برخورد کمتر شهروندان با یکدیگر، سرمایه اجتماعی کمتری را خواهند داشت.

۴- معرفی متغیرها و داده های تحقیق

با توجه به مبانی نظری و پیشینه تحقیق (که در بخش های قبلی آمد) و الگوهای رشد (آسم اغلو^۱، ۲۰۰۹)، الگوی زیر را می توان در نظر گرفت:

$$Y = f(KE, KS, KH, SC, EF)$$

در این جا، Y تولید ناخالص داخلی، KE تشکیل سرمایه ثابت در ماشین آلات، KS تشکیل سرمایه ثابت در ساختمان، KH سرمایه انسانی، SC سرمایه اجتماعی و EF آزادی اقتصادی است.

در الگوی تجربی، شکل لگاریتمی متغیرها به صورت زیر در نظر گرفته شده است:

$$LY_t = C + \beta_1 LKE_t + \beta_2 LKS_t + \beta_3 LKH_t + \beta_4 LSC_t + \beta_5 LEF_t + U_t$$

در اینجا U_t نشان دهنده جزء خطای الگو می باشد که از فروض کلاسیک پیروی می کند.

دوره زمانی مطالعه حاضر سالهای ۱۳۶۴-۱۳۸۵ است و متغیرهای مورد نظر در الگوی فوق به شرح زیر است:

رشد اقتصادی: برای اندازه گیری رشد اقتصادی از رشد تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت سال ۱۳۷۶ بدون نفت استفاده می شود. آمارهای مربوط به تولید ناخالص داخلی از بانک مرکزی گرفته شده است.

سرمایه فیزیکی: از تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در ماشین آلات و ساختمان به قیمت ثابت سال ۱۳۷۶ استفاده می شود که در پایگاه بانک مرکزی موجود می باشد.

سرمایه انسانی: تعداد دانشجویان به ازای هر هزار نفر است که در پایگاه بانک مرکزی وجود دارد.

سرمایه اجتماعی: بدلیل نیاز به داده های سری زمانی، از آمارهای مربوط به پرونده های چک بلامحل و همچنین اختلاس و ارتشاء به عنوان شاخص کاهش دهنده اعتماد (که افزایش آن ها حاکی از کاهش اعتماد در جامعه بین مردم می باشد) استفاده می شود. تعداد مطبوعات منتشر شده و تأمین اقتصادی حقوق بگیران تأمین اجتماعی و بازنشستگان، متغیر جایگزین افزایش دهنده اعتماد در جامعه است. درواقع مبارزه با

مفاسد اقتصادی مانند اختلاس و ارتشاء و عدم پرداخت دیون، حقوق مالکیت تضعیف شده افراد را تأمین می کند؛ و وجود نشریات فراوان (و البته آزاد) و پرداخت حقوق توسط تأمین اجتماعی به افراد فقیر، زمینه ساز تأمین اقتصادی ایشان بوده و کاهش دهنده آن مجموعه جرایم اقتصادی کوچک اقتصادی است، که از فقر مالی ریشه می گیرند. این شاخص نقش پیشگیری و درمانی داشته و به طور مشخص تأمین کننده اعتماد از طریق جلوگیری از تضييع حقوق مالکیت افراد است. این آمارها در پایگاه مرکز آمار ایران موجود می باشد.

آزادی اقتصادی: آزادی اقتصادی متغیر مستقل می باشد. برای آزادی اقتصادی شاخص های مختلفی معرفی شده است. یکی از رایج ترین شاخص هایی که در تحقیقات مشابه مورد استفاده قرار می گیرد، شاخص های مؤسسه فریزر در کانادا می باشد که هر ساله منتشر شده و کشورها را از نظر آزادی اقتصادی مورد ارزیابی و رده بندی قرار می دهد. شاخص های مؤسسه فریزر شامل ۳۸ شاخص بوده که بر اساس "امکان مبادله داوطلبانه، حفاظت از دارایی های سالم، بازارهای باز و قوانین حداقلی فعالیتهای اقتصادی" طراحی شده است. بعد از بدست آوردن آمارهای این متغیرها با استفاده از شاخص ترکیبی و میانگین وزنی بین متغیرها یک سری زمانی بدست می آید.

آمارهای بدست آمده از اجزای هر یک از متغیرهای سرمایه اجتماعی و آزادی اقتصادی را بطور جداگانه در یک شاخص ترکیبی قرار داده و با استفاده از میانگین وزنی بین متغیرها دو سری زمانی بدست می آید. برای ایجاد این شاخص ترکیبی از رابطه زیر استفاده شده است که در نهایت عددی بین صفر تا ده به دست می آید (سامتی، شهنازی، شبانی، ۱۳۸۵):

$$\frac{V_i - V_{\min}}{V_{\max} - V_{\min}} \times 100$$

که در این جا، V_i مقدار متغیر در هر سال، V_{\min} کمترین مقدار متغیر در سال های مختلف و V_{\max} بیشترین مقدار متغیر در سال های مختلف است.

از آن جایی که در این شاخص اعداد بزرگتر نشان دهنده آزادی اقتصادی یا سرمایه اجتماعی بیشتر است، برای متغیرهایی مانند تورم یا تعداد چک های بلامحل که رابطه عکس با آزادی اقتصادی و سرمایه اجتماعی دارند از رابطه زیر استفاده می شود:

$$\frac{V_{\max} - V_i}{V_{\max} - V_{\min}} \times 100$$

بعد از به دست آوردن مقادیر متغیرهای بالا بین صفر تا ده و با استفاده از میانگین وزنی بین متغیرها، متغیر شاخص ترکیبی آزادی اقتصادی و سرمایه اجتماعی به دست می آید.

۵- برآورد الگوهای تحقیق

در این مطالعه از الگوی خودبازگشت با وقفه های توزیعی (ARDL) استفاده شده است. برای اینکه این الگو به سمت تعادل بلندمدت همگرایی داشته باشد، بایستی مجموع ضرایب با وقفه متغیر وابسته کوچکتر از یک باشد ($\sum_{i=1}^p \phi_i < 1$). بنابراین برای آزمون وجود همگرایی بلند مدت در الگوی خودبازگشت با وقفه های توزیعی، لازم است فرضیه های زیر آزمون شود:

$$H_0 : \sum_{i=1}^p \phi_i - 1 \geq 0$$

$$H_1 : \sum_{i=1}^p \phi_i - 1 < 0$$

مقدار آماره t مورد نیاز برای انجام آزمون فوق به صورت زیر محاسبه می شود:

$$t = \frac{\sum_{i=1}^p \hat{\phi}_i - 1}{\sum_{i=1}^p se \hat{\phi}_i}$$

$se \hat{\phi}_i$: انحراف معیار متغیر $\hat{\phi}_i$ می باشد.

آماره فوق برای سه الگوی تحقیق که نتایج آن در ادامه می آید به ترتیب عبارتند از: ۷/۶۷-، ۶/۹۱- و ۷/۸۷- و مقایسه آنها با کمیت بحرانی بنرجی، دولادو و مستر (۱۹۹۸) در سطح ۹۵ درصد (۳/۸۲-) حکایت از رد فرض H_0 و یا به عبارت دیگر تأیید وجود رابطه تعادلی بلند مدت در هر سه الگو دارد.

۵-۱- نتایج برآورد روابط تعادلی بلند مدت

نتایج برآورد رابطه تعادلی بلند مدت الگوهای تحقیق در جدول ۱ آمده است. در الگوی اول، تمامی متغیرها به جز سرمایه اجتماعی در سطح اطمینان ۹۵٪ معنی دار هستند.

در الگوی دوم، تشکیل سرمایه ثابت در ماشین آلات و ساختمان دارای علامت مثبت و معنی دار می باشد. نیروی انسانی نیز دارای علامت مثبت و معنی دار است، اما شاخص ترکیبی آزادی اقتصادی معنی دار نیست.

جدول (۱): نتایج برآورد روابط تعادلی بلند مدت الگوهای تحقیق

الگوی ۳ ARDL(1,0,1,1,1,1)	الگوی ۲ ARDL(1,0,1,1,1)	الگوی ۱ ARDL(1,0,0,1,0) ^۱	متغیر توضیحی
۳/۰۹۹ (۹/۷۳۸)	۳/۵۹۵ (۱۳/۷۱۰)	۳/۶۰۳ (۱۲/۹۷۵) ^۲	C
۰/۰۵۵ (۱/۸۲۰)	۰/۰۷۳ (۲/۱۵۹)	۰/۱۰۹ (۴/۲۶۶)	LKE
۰/۳۹۹ (۱۰/۴۲۵)	۰/۳۵۴ (۸/۹۶۸)	۰/۳۴۹ (۸/۸۵۷)	LKS
۰/۳۳۲ (۱۵/۶۸۷)	۰/۳۲۲ (۱۳/۸۹۹)	۰/۲۹۸ (۱۳/۹۳۹)	LKH
۰/۰۳۹ (۲/۳۱۳)		۰/۰۲۸ (۱/۶۴۴)	LSC
۰/۰۷۱ (۲/۴۸۳)	۰/۰۴۵ (۱/۵۰۳)		LEF

منبع: محاسبات تحقیق

۱- درجه الگوی ARDL بر اساس معیار شوارتر- بیزین تعیین شده است. ۲- اعداد داخل پرانتز آماره t را نشان می دهند.

در الگوی سوم، تمامی متغیرها به جز تشکیل سرمایه ثابت برای ماشین آلات در سطح اطمینان ۹۵٪ معنی دار می باشند. تشکیل سرمایه ثابت برای ماشین آلات در سطح اطمینان ۹۰٪ معنی دار است. آزادی اقتصادی و سرمایه اجتماعی که متغیرهای جدید در الگوی رشد می باشند، دارای علامت مطابق انتظار (مثبت) بوده و در سطح اطمینان ۹۵٪ معنی دار هستند. ضرایب آن ها نشان می دهد، که در صورت ثابت بودن سایر شرایط هر یک درصد افزایش در سرمایه اجتماعی ۰/۰۳ درصد و هر یک درصد افزایش در آزادی اقتصادی ۰/۰۷ درصد سطح تولید را افزایش می دهند.

۵-۲- نتایج برآورد الگوهای تصحیح خطا

نتایج برآورد الگوهای تصحیح خطا در جدول ۲ به تفکیک الگوهای سه گانه تحقیق آمده است. در الگوی اول، همان طور که در نتایج برآورد مشاهده می شود، ضرایب متغیرها به جز سرمایه ی انسانی و سرمایه ی اجتماعی، در سطح اطمینان ۹۵٪ معنی دار هستند. مقدار R^2 حاکی از قدرت توضیح دهندگی بالای این الگو می باشد. ضریب تصحیح خطا (ECM) نشان دهنده ی سرعت تعدیل الگو از کوتاه مدت به بلندمدت است. این ضریب در سطح اطمینان ۹۵٪ معنی دار می باشد و مقدار آن نشان می دهد که در هر سال ۰/۷۹ از عدم تعادل تعدیل می شود.

در الگوی دوم، ضرایب متغیرها به جز سرمایه ی انسانی و آزادی اقتصادی که معنی دار نیستند، سایر متغیرها در سطح اطمینان ۹۵٪ معنی دار هستند. همچنین مقدار R^2 نشان دهنده قدرت توضیح دهندگی بالای این الگو است. ضریب تصحیح خطا در سطح اطمینان ۹۵٪ معنی دار می باشد یعنی در هر سال ۰/۷۶ از عدم تعادل تعدیل می شود.

در الگوی سوم، ضرایب متغیرها به جز سرمایه اجتماعی و آزادی اقتصادی، در سطح اطمینان ۹۵٪ معنی دار هستند. مقدار R^2 نیز قدرت توضیح دهندگی بالای این الگو را نشان می دهد. ضریب تصحیح خطا در سطح اطمینان ۹۵٪ معنی دار می باشد، یعنی در هر سال ۰/۷۵ از عدم تعادل در هر دوره تعدیل می شود.

همان طور که مشاهده می شود در الگوهای تصحیح خطا، متغیرهای سرمایه ی اجتماعی و آزادی اقتصادی معنی دار نیستند. با توجه به این که از یک سو، الگوی

بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی و آزادی اقتصادی..... ۹۳

تصحیح خطا تنها پویاییهای کوتاه مدت را نشان می‌دهد و از سوی دیگر، بر اساس مبانی نظری و شواهد تجربی آثار معنی دار این دو متغیر بر رشد اقتصادی در افق زمانی بلندمدت ظاهر می‌شود، لذا نتیجه مزبور قابل انتظار به نظر می‌رسد.

جدول (۲): نتایج برآورد روابط کوتاه مدت الگوهای تصحیح خطای تحقیق

الگوی ۳	الگوی ۲	الگوی ۱	متغیر توضیحی
۲/۳۲۷ (۵/۳۲۳)	۲/۷۶۸ (۵/۹۰۷)	۲/۸۶۰ (۷/۰۵۰)	DC
۰/۱۰۹ (۴/۸۲۹)	۰/۱۰۵ (۴/۰۶۲)	۰/۰۸۷ (۴/۸۹۹)	DLKE
۰/۲۹۹ (۶/۱۷۹)	۰/۲۷۲ (۴/۹۲۳)	۰/۲۷۷ (۴/۷۲۸)	DLKS
-۰/۱۹۶ (-۲/۰۶۷)	-۰/۰۲۷ (-۰/۳۵۹)	-۰/۰۹۳ (-۰/۸۹۶)	DLKH
۰/۰۰۰۵ (۰/۰۲۹)	-۰/۰۴۵ (-۱/۷۲۹)	۰/۰۲۲ (۱/۶۷۸)	DLSC
-۰/۰۲۷ (-۱/۱۵۳)	-۰/۷۶۹ (-۶/۹۱۹)	-۰/۷۹۴ (-۷/۶۷۵)	DLEF
-۰/۷۵۰ (-۷/۸۷۴)			ECM(-1)
$R^2 = ۰.۹۶۷$ D-W = ۲/۵۳۳ F = ۴۹/۷۶۳	$R^2 = ۰.۹۴۶$ D-W = ۲/۰۶۴ F = ۴۲/۶۶۸	$R^2 = ۰.۹۱۴$ D-W = ۱/۷۶۸ F = ۲۹/۹۸۶	

منبع: محاسبات تحقیق

۶- جمع بندی و نتیجه گیری

بر اساس اندیشه نهادی نورث: (۱) بازده فعالیتهای سیاسی (اعتماد و مشارکت)، تأمین کننده سرمایه اجتماعی است؛ و می تواند بر رشد اقتصاد ایران اثرگذار باشد. (۲) بازده فعالیتهای اقتصادی ناشی از الگوی مدیریت اقتصادی (آزادی اقتصادی) است که بر رشد اقتصادی ایران تأثیرگذار است. (۳) فعالیتهای سیاسی (اعتماد و مشارکت) و اقتصادی (آزادی اقتصادی) توأمان نیز بر رشد اقتصادی ایران سهیم هستند و تأثیر آنها قابل مقایسه است.

نتایج برآورد الگوی اول تأثیر مثبت و معنی دار سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی را تأیید می کند. نتایج برآورد تأثیر آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی در الگوی دوم نیز حکایت از تأثیر مثبت و معنی دار آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی دارد. سرانجام در الگوی سوم تأثیر همزمان دو متغیر سرمایه اجتماعی و آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی تأیید می شود. نتایج برآورد این الگو نشان می دهد که در صورت ثابت بودن سایر شرایط، هر یک درصد افزایش در آزادی اقتصادی، رشد اقتصادی را به میزان ۰/۰۷ درصد و هر یک درصد افزایش در سرمایه اجتماعی، رشد اقتصادی را به میزان ۰/۰۳ درصد افزایش می دهد. به این ترتیب، آزادی اقتصادی نسبت به سرمایه اجتماعی تأثیر بیشتری بر رشد اقتصادی دارد.

با توجه به انتخاب رویکرد نهادگرایی، کاهش نااطمینانی ها به عنوان شرط لازم افزایش مبادلات، مستلزم وجود سرمایه اجتماعی است، که با شاخص اعتماد و مشارکت بررسی پذیر می شود. اما شرط کافی مستلزم محیطی است که در آن مدیریت اقتصاد آزاد تحقق عینی بیابد؛ که آن هم با تأمین شاخص های آزادی اقتصادی میسر خواهد شد. بنابراین توجه به تأثیر نهادها و کیفیت آنها در رشد اقتصادی ضروری است. بررسیهای جزئی که اثر نهادهای تأمین کننده سرمایه اجتماعی یا اثر نهادهای تأمین کننده آزادی اقتصادی بر رشد را مطالعه کرده اند، اثر حاصله را کمتر از واقع نشان داده اند. علاوه بر این لازم است ابعاد تعاریف متغیرهای مؤثر بر هر کدام از این دو به در حد ممکن واکاوی شوند، تا معلوم شود گستره ابعاد متغیرهای اثر گذار بر هر کدام تا چه

اندازه است و اگر برآوردها بازهم نتایج را با اریب عرضه کنند، ریشه‌های احتمالی آن در کجاست.

منابع و مأخذ:

- Acemoglu, Daron (2009), Introduction to Modern Economic Growth, *Princeton University Press*.
- Aron, Janine (2000), *Growth and Institutions: Review of Evidence*, the World Bank Research Observer, Vol. 15, Issue 15, No.1, pp. 99-135.
- Banerjee, A. J.J. Dolado and R. Mestre (1998), *Error- Correction Mechanism Tests for Cointegration in a Single-equation Framework*, Journal of Time Series Analysis, Vol. 19, pp. 267-283.
- Barro, Robert J. (1996a), *Democracy and Growth*, Journal of Economic Growth, Vol.1, No.1, pp. 1-27.
- Barro, Robert J. (1996b), *Institutions and Growth: An Introductory Essay*, Journal of Economic Growth, Vol.1, No.1, pp. 145-148.
- Carlsson, F., and S. Lundstorm (2002), *Economic Freedom and Growth: Decomposing the Effects*, Public Choice, Vol.112, pp. 335-344.
- De Haan, J. and J.E. Sturm (2000), *On the Relationship between Economic Freedom and Economic Growth*, European Journal of Political Economy, Vol.16, pp. 215-241.
- Elmi Z., M. Sharepour and S.A.H. Hosseini (2006), *Social Capital and the Ways It Affects the Economy*, Tahghighat-E-Eghtesadi , Vol. 71, pp. 239-296.
- Easterly, Williams and Ross Levin (1997), *Africa Growth Tragedy: Policies and Ethnic Divisions*, Quarterly Journal of Economics, Vol. 112, No. 4, pp. 1203-1250.

- Falvey, R., D. Foster, and R. Greenaway (2004), *Intellectual Property Rights and Economic Growth*, GEP Research Paper, Nottingham University: Nottingham.
- Fidrmuc, Jan (2003), *Economic Reform, Democracy and Growth during Post-communist Transition*, European Journal of Political Economy, Vol. 19, No. 3, pp. 583-604.
- Friedman M. (1962), *Capitalism and Freedom*, Chicago: University of Chicago Press.
- Glaeser, E., La Porta, R., Lopez de Silanes, F., and A. Shleifer (2004), *Do Institution Cause Growth?*, Journal of Economic Growth, Vol. 9, pp. 271-303.
- Gwartney, J., and R. Lawson (2005), *Economic Freedom of the World 2005*, Annual Report, Vancouver:The Fraser Institute.
- Helliwell, J. and Putnam R. (1995), *Economic Growth and Social Capital in Italy*, Eastern Economic Journal, Vol. 21, pp. 295-307.
- Hosseini, S.A.H., Z. Elmi and M. Sharepour (2007), *Ranking Iran's Provinces According to Social Capital*, Journal of Social Welfare, Vol. 7, No. 26, pp. 59-84.
- Kirzner, I. (1997), *Entrepreneurship Discovery and the Competitive Market Process: An Austrian Approach*, Journal of Economic Literature, Vol. 35, pp. 60-85.
- Knack, S. and P. Keefer (1997), *Does Social Capital have an Economic Pay-off?: A Cross Country Investment*, Quarterly Journal of Economics, Vol. 112, No. 4, pp.1251-1288.
- La Porta, R., F. Lopez-De-Silanes, A. Shleifer and R.W. Vishny (1997), *Trust in Large Organization*, American Economic Review, Vol. 87, pp.333-338.
- Lueck, Dean (2005), *Yaram Barzel and the New Institutional Economics*, University of Arizona.
- Mauro, Paolo, (1995), *Corruption and Growth*, Quarterly Journal of Economics, Vol. 110, pp. 681-712.

- Mauro, Paolo, (1997), *The Effects of Corruption on Growth, Investment Expenditures: A Cross-Country Analysis*, in Elliot, Kimberly A. (ed.), *Corruption in the Global Economy* (Institute of International Economics), Washington, USA: 83-107.
- Naderi, Morteza and Ahmad Sharbatoughli (2007), *The Effects of Economic Freedom on Economic Growth*, Quarterly Iranian Economic Research, Vol. 32, pp. 1-29.
- North, C. Douglass (1990), *Institutions, Institutional Change and Economic Performance: (Political Economy of Institutions and Decisions)*, Cambridge University Press.
- North C. Douglass, Barry and R. Wingast (2000), *Introduction: Institutional Analysis and Economic History*, Journal of Economic History, Vol. 60, No. 2, pp. 414-417.
- Posen, Adam, (1988), *Do Better Institutions Make Better Policy, International Finance*, Vol. 1, No. 1, pp. 173-205.
- Przeworski, Adam and Fernando Limongi (1993), *Democracy and Economic Growth*, Journal of Economic Perspectives, Vol. 7, pp. 51-69.
- Putnam, Robert D. (1993), *The Prosperous Community Social Capital and Public Life*, American Prospect, Vol. 4, No. 13.
- Putnam, Robert P. (1995), *Bowling Alone: American Declining Social Capital*, Journal of Democracy, Vol. 6, No. 1, pp. 65-78.
- Rahmani T., H. Abbasinezhad and M. Amiri (2007), *The Effects of Social Capital on the Economic Growth of Iran (A Spatial Econometric Perspective)*, Quarterly Iranian Economic Research, Vol. 7, No. 2, pp. 1-30.
- Rice, Tom W. and Alexander F. Sumberg (1997), *Civic Culture and Government Performance in the American States*, Publius: The Journal of Federalism, Vol. 27, No. 1, pp. 99-114.
- Rodrik, Dani (2000), *Institutions for High Quality Growth: What are they and How to Acquire Them?*, National Bureau of Economic Research (NBER), Working Paper, 7540.

- Sameti, M., R.A. Shahnazi and Z. Dehghan Shabani (2006), ***The Effects of Economic Freedom on Fiscal Corruption***, Iranian Economic Research, Vol.8, No. 28, pp. 87-106
- Wei, Shang-Jin (1998), ***Foreign Quasi-foreign, and False-foreign Direct Investment in China***, Paper prepared for the Ninth East Asian Seminars on Economics, Organized by Takatoshi Ito and Anne O. Krueger, in Osaka, Japan, June 25-28.
- World Bank, (1997), ***Helping Countries Combat Corruption: The Role of the World Bank***, World Bank: Washington DC.